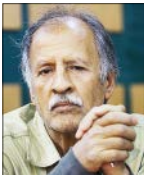


جشنواره در ایستگاه سخت داوری

هیات داوران جشنواره فیلم فجر در حال جمع‌بندی آثار هستند تا طی دو روز آینده نامزدهای سیمِغ را اعلام کنند. امسال کار این هیات سخت خواهد بود چون تنوع زیاد موضوعی در متن فیلم‌های ضعیف زیاد، خروجی پرچالشی را به همراه خواهد داشت.



محمدتقی فهیم منتقد سینما

یک‌کنه علیه سازمان؛ سرهنگ ثریا (●●●●)

وقتی یک فیلمساز اولی، اثری شلوغ به لحاظ سیاهی‌لشکر و پروداکشن و سنگین از منظر دستمایه و حساس از درجه سیاسی را انتخاب می‌کند، یعنی جسارت مضاعفی به خرج داده است. لیلی عاج اگرچه تجربه‌های زیادی در زمینه تئاتر دارد اما سرهنگ ثریا اولین فیلم بلند او محسوب می‌شود، فیلمی که علی‌رغم ضعف‌هایش ولی در مجموع قابل قبول است. موضوع دهشتناک اردوگاه اشرف و انتظار والدینی که فرزندان‌شان را به نظامیگری برده‌اند، توسط عاچ قصه‌پردازی شده است و در کانون این اردوگاه یک زن (زاله صامتی) قرار دارد. آنچه اصلی‌ترین قوت فیلم سرهنگ ثریا محسوب می‌شود ساختن یک زن کنش‌مند است، چیزی که در سینمای ما کمیاب است. برای اولین بار در سینمای ایران می‌بینیم که یک زن در عین حفظ وجنات ظاهری و موقعیت مادری‌اش، در قامت رهبری گروهی ظاهر می‌شود. او همچنان که محبت می‌ورزد و هوای بقیه را دارد، در پراتیک اجتماعی-سیاسی هم فعال است. در کانسپت، فیلم دو جبهه دارد که یکی خانواده‌محورو مبتنی بر عنصر عواطف و ایثار و جبهه دیگر سازمانی بی‌ریخته شده بر شالوده ملیتاریسم غیردموکراتیک؛ به رغم این که دوربین عاج به درون اردوگاه نمی‌رود اما می‌فهمیم که با چه دیکتاتوری روبه‌رو هستیم. در مجموع فیلم چیزهایی کم دارد و چیزهایی اضافه که اگر عاج در فیلمنامه اجراو سواوس بیشتری می‌داشت حالا با اثری با تأثیرگذاری مواجه بودیم.

نزدیک به کارخانه آدم‌سازی؛ هوک (●●●●)

«هوک» ساخته حسین ریگی از همان فیلم‌هایی است که سینمای ما خیلی کم دارد. یعنی سینمایی که در ساخت و پرداخت معطوف به ساختار قصه‌گویی و قهرمان‌پردازانه است، در عین این که محل و جغرافیای داستانسراسری و درام‌پردازی‌اش را در خارج از مرکز، اینجا سیستان، قرار داده است. اما پرسش جدی این است که آیا فیلم هوک از عهده معنای مورد اشاره برآمده است، بالطبع پاسخ منفی است چرا که به دلایل متعددی فیلم به سطح متوسط هم نمی‌رسد. «هوک» یک فیلم ورزشی با رویکرد اجتماعی است و رشته انتخاب برای فیلم بوکس است چرا که این ورزش در سیستان قدمت دارد و صاحب افتخاراتی شده است. فیلم با نماهای زیبا از ساحل و دریا افتتاح می‌شود و با داستانک علاقه کودک به بوکس جلو می‌رود اما همه قاب‌های فیلم بیشتر از نگاه توریستی کارکرد پیدا نمی‌کند و در ادامه که قرار است قصه قوم بلوچ پیرامون و محیط را در برگیرد، همه اجزای درام حکایت از نمونه‌های ساخته‌شده در این زمینه دارد، با بازی‌های بد و خصوصاً بازیگران تهرانی (امیر جعفری، امیرمهدی ژوله، رویا تیموریان، علی اوسینود، آشنیانی و...) که به سیستان برده‌اند تا با گریم ولپچه بلوچ بنمایند، لذا در بافت فیلم خصوصاً روابط و مناسبات اثر رنگ و بویی از سبک و سیاق عمیق زیست مردم آن دیار به چشم نمی‌خورد. این مولفه، لازمه هر فیلم نمایشی است که خالق آن قبل از هر چیزی ویژگی‌هایی برای قهرمان در نظر بگیرد تا مخاطب به او علاقه‌مند شود. بعد از این اوست که تماشاگر را با خود به هر سو خواهد برد. قهرمان فیلم هوک از کودکی (که داستان آن از نظر قواعد ساختاری و ریخت‌شناسی اساسا فیلمی مستقل است)، تا بزرگسالی قافد کارفرمای لازم است. خلاصه هوک می‌توانست خیلی بهتر از الان باشد.

قطب سیرک؛ بعد از رفتن (●●●●)

فیلم «بعد از رفتن» را رضا نجاتی ساخته است که با ارسال برای قیلم «ارفاق» از جشنواره فیلم کوتاه و نیز فیلم فجر جایزه گرفت، اما ورودش به عرصه فیلم بلند، استارت قدرتمندی نیست. قصه مردی زخم‌خورده و پیریشان احوال که رفت و برگشت جغرافیایی دارد، باید اول در فیلمنامه جکش‌کاری می‌شد تا ضمن پرداخت آدم‌ها و جاگذاری نقاط عطف درخرو، وقتی به اجرامی‌رسد ضعف‌هایش دوبرابر نشود. نجاتی نتوانسته از فیلم کوتاه خود را خلاص کند برای همین فیلمنامه‌اش ظرفیت کار بلند را ندارد. ضمن این‌که همچنان مبتنی بر غافلگیری پایانی طراحی شده است، طوری که موضوع رحم اجاره‌ای در واپسین سکانس انتهای افشا می‌شود تا ما تازه بفهمیم اصلا قصیه این مرد چیست؛ یعنی درام معکوس در انتشار اطلاعات. قصه هم به نوعی در قالب جست‌وجو است. اگرچه ظاهر، آدم اول قصه دارد حرکت می‌کند، ولی همه چیز در عرض است و قصه جلونمی‌رود. اما ضعف کلان فیلم را باید در رادیویی‌بودن آن دانست. آرش (با بازی بد صابر ایر) متلا به اقتضا، همه وقایع را شرح می‌دهد و کنشکش‌های صورت‌گرفته نسبت‌اش با ریشه‌های اتفاقات رخ داده تصویری و نمایشی نمی‌شود. به جز پانته‌آ پناهی‌ها که در نقش کوتاهش جفت شده است، بقیه حرفی برای گفتن ندارند. اما فیلم در ساخت و پرداخت آکسسوارها و معماری مورد نیاز که در قالب جلوه‌های ویژه با کامپیوتر و سی‌جی‌ها صورت گرفته خوب و باورپذیر اجرا شده‌اند، به طوری‌که بعید است کسی بفهمد اینها وجود خارجی نداشته‌اند.

نسرین بختیاری گروه فرهنگ‌و هنر

هادی محمدپور امسال با فیلم «های‌پاور» هم تجربه اولین کارگردانی و هم حضور در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر را پشت سر خواهد گذاشت. محمدپور پیش از کارگردانی این اثر، فیلم‌های کوتاهی مانند «یک لحظه از زندگی»، «آلزیمر»، «ماهی‌های خاکی»، مستند «قطعه‌ای از بهشت» و تله‌فیلم «رد پای شغال» را کار کرده است. های‌پاور، روایت فریب دشمن به کمک شورای عالی دفاع جمهوری اسلامی ایران و چاپک‌سازی

اگر بخواهید مضمون فیلم خودتان را برای مخاطب تعریف کنید که به دیدن آن ترغیب شود، چه می‌گویید و فکر می‌کنید چه تازگی‌ای برای مخاطب دارد؟

در این فیلم سعی کردیم به تفکر و شخصیت نظامی شهدایی مانند منصور ستاری و عباس بابایی بپردازیم. به دلیل این‌که فیلم‌های این عزیزان مانند «منصور» و «شوق پرواز» قبلا ساخته شده بود، ما باید از مسیر دیگری وارد این حوزه می‌شدیم. سعی کردیم در این فیلم به شخصیت نظامی این شهدا بپردازیم و از زندگی شخصی آنها فاصله بگیریم. ما در سال ۶۳ و ۶۴ از جنگ، عملیات‌هایی مانند بدر و خیبر تلفات زیادی در حوزه پدافندی داشتیم، چون خلبان‌های عراقی‌ها با توجه به نویزی که رادار های پاور و Par از خود ساطع می‌کرد، با موشک ضد رادار تمام سایت‌های موشکی ما را از فاصله ۷۰ کیلومتری می‌زدند. وقتی تلفات بدر و خیبر این‌گونه شد، شورای عالی دفاع که آن زمان معاون طرح و برنامه نیروی هوایی و نماینده تام‌الاختیار پدافند بود، طرحی را چید و سامانه‌های پدافندی را چاپک‌سازی، جابه‌جا و کوچک‌تر کرد و یک سری رادارها را نیز حذف کرد اما با مخالفت برخی فرماندهان روبه‌رو می‌شود، ولی طرح را با انجام عملیات آزمایشی به کرسی می‌نشانند. این طرح در عملیات والفجر ۸ پیاده می‌شود و یک سری سایت‌های موشکی سریع را نیز پیاده و از ضایعات و نخاله‌های موشکی استفاده می‌کند؛ با این تفاوت که همین سایت‌ها که ماکت هم بودند، از خودشان فرکانس ساطع می‌کردند؛ یعنی وقتی عراقی‌ها حمله می‌کردند، به کاهدان می‌زدند و فکر می‌کردند سایت موشکی را زدند، در صورتی‌که یک نخاله و ماکت موشکی رازده بودند. به‌واسطه همین طرح در عرض ۲۰ روز بیش از ۷۸ هواپیمای عراقی را زدند که طبق بررسی ما حتی الان کشورهایی مانند آمریکا، روسیه و ابرقدرت‌هایی که بهترین تجهیزات پدافندی را دارند، در عرض ۲۰ روز نتوانستند این تعداد هواپیمای را بزنند. هدف اصلی ما نشان دادن و به‌اثبات رساندن این عملیات بود و بعد سراغ تصویرکردن آن در قالب قصه در سینما رفتیم.

چه پیش‌زمینه یا دغدغه‌ای موجب شد که سراغ ساخت فیلم با این مضمون بروید و سرمایه‌گذار فیلم چه کسی یا

سازمانی است؟

در کودکی گونه فیلم‌های دفاع مقدسی را مانند «حمله به آچ ۳»، «عقاب‌ها» و «پرواز از اردوگاه» دنبال می‌کردم و معمولا هم شخصیت این فیلم‌ها یا جمشید هاشم‌پور یا سعید راد بود و این قصه‌ها را خیلی دوست داشتم. در زمان های

گذشته با ورود قهرمان روی پرده سینما شور و اشتیاق زیادی از سوی مردم ایجاد می‌شد اما امروز احساس می‌کنم مردم ما خیلی از این فضا فاصله گرفته‌ند و سعی کردم به سمتی بروم که پروداکشن ارتش و نیروهای مسلح را نشان دهم. در این فیلم مانیروهای پرواز اف ۱۴ و بسیاری دیگر را داریم و سعی کردیم با پروداکشن‌های این شکلی فضا را به سمت سینمای دهه ۷۰ ببریم. به این دلیل که می‌خواستیم نقش نیروی پدافند ارتش را نشان دهیم، سرمایه‌گذار مانیروی پدافند ارتش جمهوری اسلامی بود و این اولین تجربه سرمایه‌گذاری ارتش در زمینه فیلم است تا شاید فتح‌بابی برای ساخت فیلم‌های بعدی باشد.

انتخاب بازیگران نقش شهیدان ستاری و بابایی به چه شکل و شیوه‌ای بود؟

از دو سال پیش که تحقیق و نگارش فیلمنامه این اثر را با همکاری امیر شایان‌مهر شروع کردیم، همزمان روی داشتن چهره‌های بازیگری برای باورپذیری قصه و ماجرا برای مخاطب، تمرکز کردیم. بنابراین، به بررسی شباهت بازیگران با این شهیدان و داشتن سابقه در کارنامه کاری پرداختیم که این یکی دیگر از شاخص‌های ما برای انتخاب بازیگران نقش شهیدان ستاری و بابایی بود. پس از بررسی و نظرسنجی در این زمینه به اتابک نادری برای بازی در نقش شهید ستاری و علیرام نورایی برای نقش آفرینی شخصیت شهید عباس بابایی رسیدیم که خدا را شکر انتخاب درستی بودند.

چه سختی‌هایی را در فرآیند ساخت این فیلم دفاع مقدسی از سر گذراندید؟

سختی تصویر این نوع سینما فراتر از تصور اولیه‌ام بود، چون از یک طرف دغدغه پروداکشن و از طرفی نمایش هنری این فیلم‌ها را داریم. معمولا در آثار دفاع مقدس که نشان داده می‌شود رزمنده‌ای اسلحه ۳ یا کلاشیکف را پشت خاکریز به کار می‌برد، خیلی راحت‌تر از فیلمی است که بخواهیم یک هواپیما را هماهنگ کنیم و بگوییم داخل کابین این حرکت را باید انجام دهیم، چون من داخل مانیتور نمی‌دیدم که خلبان چه انگتی از خود نشان داده است، بنابراین، مجبور بودم بنشیند، دوربین را برداریم و روی مانیتور پیاده کنیم تا ببینیم آیا چیزی که می‌خواستیم انجام شده است یا خیر؟ اگر انجام شده که باید سراغ پلان بعدی می‌رفتیم و اگر نشده بود که دوباره هواپیما به پرواز در می‌آمد و به‌طورکلی بخش هزینه‌ها و هماهنگی‌های امنیتی برای ما خیلی سخت بود. گاهی هوا بد بود و پرواز کنسل می‌شد و دوره فیلمبرداری ما همزمان شده بود با سفر رئیس‌جمهور به اصفهان که کلیه پروازها کنسل بود اما برنامه ریز ما اینها را نمی‌دانست و آن روز آفیش می‌کرد.

چقدر ساخت فیلم زمان برد و لوکیشن‌های شما کجا بود؟

برای لوکیشن، پایگاه مهرآباد را بررسی کرده بودم که یکی از دوستان که از نظامیان این کار بود، پیشنهاد کار در اصفهان را داد و زمانی که به اصفهان رفتیم، دیدیم که فوق‌العاده محیط بکری از لحاظ

سیستم‌ها در عملیات والفجر ۸ است که در عرض ۲۰ روز نیروهای ایران توانستند بیش از ۷۸ هواپیمای عراقی را منهدم کنند. محمدپور، به‌عنوان کارگردان این فیلم برایش نمایش این عملیات به جوانان اهمیت دارد و به گفته خودش چندان به سیمِغ فکر نخواهد کرد و فیلم‌های بعدی او نیز درباره شهیدان غیرشاخص خواهد بود. حضور فیلم محمدپور در جشنواره فیلم فجر بهانه‌ای برای گفت‌وگو با این کارگردان شد که از نظر می‌گذرانید.

فضای نظامی دارد، چون اکثر

فیلم‌های دفاع مقدسی ما در شهرک دفاع مقدس و شهرک سینمایی

غزالی تصویربرداری می‌شود

و حالا دیگر قابل تشخیص

است که کجا کار کرده‌اند. مادر

انتخاب لوکیشن خیلی دقت

کردیم و نوعی تنوع لوکیشن خاصی

در سایت موشکی، رادار و بافت شهری

قدیمی وجود دارد که همه کنار

هم با فاصله پنج کیلومتری متمرکز

شده بود.

به نظر تان‌های پاور چقدر گیشه دارد؟

با یکی از دوستان صحبت می‌کردم که این فیلم را اصلا برای گیشه نساختم، چون جمع‌کردن و

هماهنگی این کار خیلی سخت بود و

مهم‌ترین هدفم این بود که بگویم چنین

عملیات بزرگی بوده است و اگر این مردم

جا بفتد که چنین عملیاتی بوده و شهیدان

ستاری، بابایی اردستانی و بابایی در دل

حادثه بودند و توانستند چنین کاری کنند که

در ۲۰ روز ۷۸ هواپیمای عراقی را زدند، برای من

بس است. بنابراین، فروش فیلم و این‌که چقدر

مردم از لحاظ گیشه‌ای جا می‌افتد، در اولویت من نیست.

من می‌خواستم یک کار ارزشی بسازم و این تفکر را پیاده کنم و

امیدوارم این به کرسی بنشیند.

چقدر به سیمِغ و جایزه فکر می‌کنید و اگر جایزه بگیرید، فکر می‌کنید مسیر را برای فیلم‌سازی بعدی شما راحت‌تر می‌کند یا سخت‌تر

و با این‌که نفس جایزه‌گرفتن برای شما اهمیت دارد؟

اتفاقا فیلم دومی که خواهم ساخت در حوزه دفاع مقدس خواهد بود، چون متوجه شدم که حرکت خاصی در حوزه دفاع مقدس صورت نگرفته

است. سعی می‌کنم کار بعدی که می‌سازم درباره یک شهید غیرشاخص باشد،

چون به حد کافی درباره شهیدان شاخص، فیلم ساخته شده است. بالاخره

سربازان بسیار ناشناخته‌ای داریم که با همین نیت مقدس از کشور دفاع کرده

و مقابل تیر و تفنگ ایستاده‌اند و اتفاقا مقبولیت فیلم‌سازی درباره

چنین سوزهای بیشتر و میان مردم بیشتر جامی افتد. در مورد سیمِغ

نیز باید گفت هرکسی حقتش باشد به آن می‌رسد.

سال‌های زیادی است که جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود؛ فکر

می‌کنید چه تأثیری در سینمای ایران داشته است و چه احساسی از

حضور در جشنواره دارید؟

آرزوی هر کارگردانی است که به بالاترین سطح جشنواره سینمایی کشورش برسد و ما هم خدا را شکر می‌کنیم که امسال این موضوع نصیب ما شد و

امیدوارم خودمان را گم نکنیم.

شعار جشنواره امسال اخلاق، امید، آگاهی و تأکید روی سینمای اجتماعی سالم است. چقدر فکر می‌کنید نمایش فیلم‌ها در جشنواره می‌تواند سلیقه مخاطب را تغییر دهد؟

هرچقدر بدون حاشیه پیش برویم، می‌توانیم این سیاست را پیاده کنیم. الان مسیر جشنواره روی لبه تیغ است و در صورت زیاده‌روی و کم‌کاری، کار خراب می‌شود و ممکن است سیاه‌نمایی در هر حالتی رخ دهد. به‌شخصه سعی می‌کنم بدون هر حاشیه و اظهارنظری کار خود را به انجام برسانم و اگر این‌طور نباشد کسی در جشنواره فجر شرکت نمی‌کند. فجر از نامش مشخص است و ما سعی کردیم پیروزی انقلاب اسلامی را ادامه دهیم و کسانی که پای این نظام هستند، سعی کردند در این جشنواره شرکت کنند. امیدوارم مردم کار را ببینند و نسبت به این عملیات آگاه شوند و جوانان ما بدانند اگر امروز مملکت سرپاست، چگونه و با چه کارهایی بوده است.

روایت فریب دشمن در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر

«های‌پاور»

یک عملیات نظامی بی‌نظیر

